فصلنامه مطالعات
خاورمیانه
شماره استاندارد بین‌المللی ۱۹۸۶-۱۵۶۰
۹۸
سال بیست و ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، تک‌شماره ۳۰۰۰۰۰ ریال

حاشیه علیه متن؛ کردهای سوریه، حاشیه تاریخی و متن گفتمانی

هیدروپلتیک و مناقشات آبی در حوزه رودخانه‌های دجله و فرات (۲۰۱۸- ۱۹۵۰)

تاثیر لابی صهیونیستی- عربی بر سیاست خارجی ایالات‌متحده نسبت به ایران

بررسی منطقه خاورمیانه در ابعاد ماوراء جو زمین

اتحادها در خلیج‌فارس و نظریه موازنه تهدید

چالش‌های روابط ترکیه و اسراییل در دوره پس از مصالحه (۲۰۱۸-۲۰۱۶)

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

حاشیه علیه متن؛ کردهای سوریه، حاشیه تاریخی و متن گفتمانی

محمدکریم محمدی[۱]
جلیل کریمی[۲]
قدرت احمدیان[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

چکیده

سوریه برای کشور ما دارای اهمیت راهبردی است. ظهور ناگهانی کردهای سوریه در متن تحولات سیاسی منطقه، در یک بازه زمانی فشرده، به‌ویژه بعد از تحولات ۲۰۱۱ سوریه که ابعادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یافت، توجه بسیاری از پژوهش‌گران را به خود جلب نمود. کردهای سوری که تا قبل از بحران، به‌مثابه اشباحی نامرئی مورد توجه بودند، ناگهان به‌صورت یک بازیگر جدی در تحولات ظاهر شدند. این مقاله قصد دارد با رویکردی تاریخی و در چارچوب نظریه گفتمان، به این پرسش پاسخ دهد که کردها در سوریه چگونه به حاشیه رانده شده و چگونه به متن برگشتند؟ در پاسخ به این پرسش، نگارندگان با واکاوی پس‌زمینه‌های تاریخی به حاشیه رانده شدن کردها و بررسی متن گفتمانی آنها به صورت‌بندی این فرضیه پرداخته است که: مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، همچون سیاست‌های دوران قیمومیت، تحولات دوران گذار، بعث و مناسبات کردی- سوری از مهمترین عوامل به حاشیه‌رانی کردها بوده است. از دیگر سو از منظر گفتمانی، اتخاذ گفتمان کنفدرالیسم دموکراتیک به‌جای گفتمان ناسیونالیستی، بعد از تحولات سال ۲۰۱۱، نقش مهمی در به متن آمدن کردها در شمال سوریه داشته است. از مهمترین یافته‌های این پژوهش، توجه به نقش چرخش گفتمانی در تحولات شمال سوریه بوده است و می‌توان گفت در صورت تثبیت وضعیت موجود در شمال سوریه و هژمونیک شدن این گفتمان، تبعات و پیامدهای منطقه‌ای زیادی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: سوریه، کردها، بعث، گفتمان، کنفدرالیسم دموکراتیک.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی. MK-M4453@yahoo.com
۲. عضو هیات علمی دانشگاه رازی. jkarimi79@gmail.com
۳. عضو هیات علمی دانشگاه رازی. ghudratt@yahoo.com

غلامعلی چگینی‌زاده[۱]

سیدرضا موسوی‌نیا[۲] *فرشید ایمنی*[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۰

چکیده

از زمان تشکیل سه کشور ترکیه، سوریه و عراق، حوزه رودخانه‌های دجله و فرات همواره تنش‌های مختلف آبی را تجربه کرده است؛ به‌علاوه اجرای پروژه‌های آبی متعدد از سوی این کشورها (به‌خصوص کشور ترکیه) بر شدت این تنش‌ها افزوده است. اتمام پروژه‌های GAP و تغییر آب و هوایی در سطح گسترده و متعاقب آن تنش‌های ناشی از کاهش شدید منابع آبی، می‌تواند به زمینه‌ای برای بروز تنش‌های سیاسی میان کشورهای ترکیه، سوریه و عراق تبدیل شود که در این پژوهش با بهره‌گیری از این فرضیه به بررسی تاثیر این موضوع بر روابط سیاسی میان کشورهای این حوزه آبی پرداخته می‌شود. در این مقاله وضعیت آب در هر سه کشور و تنش‌های آبی داخلی و منطقه‌ای میان آنها با استفاده از نظریه مکتب کپنهاگ در ابعاد امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیست مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نیز نشان می‌دهد که موضوع مناقشات آبی در این حوزه به‌دلیل تاثیرگذاری بر صنعت کشاورزی، افزایش بیکاری، فقر، مهاجرت، خشک شدن تالاب‌ها و رودها، شکل‌گیری پدیده گرد و غبار و بحران مشروعیت، چهار بعد امنیت (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی) را با خطر جدی مواجه نموده است. با این وجود به‌دلیل ضعف نظامی دو کشور عراق و سوریه و توان بالای ارتش ترکیه نسبت به این دو کشور، نمی‌توان احتمال تهدید امنیت نظامی را در آینده‌ای نزدیک متصور بود.

واژگان کلیدی: مناقشات آبی، ترکیه، سوریه، عراق، مکتب کپنهاگ، امنیت آبی.

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. chegnizadeh@yahoo.com

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. seyedreza_mousavi54@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی. f.imani.63@gmail.com

احسان اعجازی[۱] ارسلان قربانی[۲]
رضا سیمبر[۳] احمد جانسیز[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۵

چکیده

سیاست خارجی تهاجمی ایالات‌متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۰) را می‌توان ناشی از بنیان‌های درونی سیاست خارجی این کشور به‌حساب آورد. یکی از این بنیان‌های درونی، لابی‌های متعدد فعال در نظام سیاسی_ اقتصادی ایالات‌متحده می‌باشد. برای تبیین سیاست خارجی ایالات‌متحده بر اساس بنیان‌های درونی‌اش، می‌توان از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک بهره گرفت. در سال‌های اخیر همگرایی عمیقی بین لابی‌های صهیونیستی و عربی در جهت مقابله با منافع جمهوری اسلامی ایران شکل‌گرفته است؛ به‌گونه‌ای که هر دوی آنها در تلاش هستند تا قوای سه‌گانه در آمریکا را برای اتخاذ سیاست‌های ضد ایرانی اقناع کنند. بر همین اساس نویسندگان این مقاله به‌دنبال پاسخ به این سوال اصلی هستند که لابی‌های صهیونیستی_ عربی چه تاثیری بر سیاست خارجی ایالات‌متحده در قبال برنامه هسته‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۰) داشته‌اند؟ نویسندگان مقاله با بکارگیری روش کیفی، مطالعه موردی درصدد هستند تا تاثیر هم‌زمان لابی صهیونیستی عربی بر رویکرد ایالات‌متحده در قبال برنامه هسته‌ای را بسنجند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در رابطه با ایران، لابی‌های صهیونیستی_ عربی در سال‌های اخیر به هدفی مشترک دست پیدا کرده‌اند؛ آنها درصدد ترغیب نخبگان سیاسی_ اقتصادی ایالات‌متحده برای پیگیری سیاست‌های ضد ایرانی از جمله تصویب قوانین تحریمی بوده‌اند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایالات‌متحده، جمهوری اسلامی ایران، لابی صهیونیستی، لابی عربی.

۱. دکتری روابط بین‌الملل، از دانشگاه گیلان. ehsan.ejazi@gmail.com
۲. استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی. arsalangh@yahoo.com
۳. استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان. rezasimbar@hotmail.com
۴. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه گیلان. Jansiz@guilan.ac.ir

نکته: این مقاله برگرفته از رساله دکتری احسان اعجازی با عنوان «بنیان‌های درونی سیاست خارجی ایالات‌متحده در قبال ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۰) با راهنمایی دکتر ارسلان قربانی و دکتر رضا سیمبر و مشاوره دکتر احمد جانسیز است.

حسن مومنی[۱]
احمد ایرانخواه[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

چکیده

موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی و عوامل اجتماعی استقرار یافته، خاورمیانه را تبدیل به منطقه‌ای استراتژیک کرده است؛ زیرا این قلمرو در مرکز سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته و کوتاه‌ترین راه‌های هوایی و آبی اروپا و آسیا از آن می‌گذرد. از این‌رو بررسی ابعاد گوناگون و تاثیرات منطقه‌ای فضای ماوراء جو بسیار ضروری است. اصطلاح ماوراء جو برای نخستین‌بار توسط اتحاد جماهیر شوروی در ۴ اکتبر ۱۹۵۷، مطرح گردید و در دهه‌های معاصر نیز درباره آن پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ بنابراین عصر کنونی ظهور تکنولوژی پیشرفته است که به‌سرعت در حال توسعه و گسترش می‌باشد، از این طریق دستیابی به فضاهای ماوراء جو نیز میسر شده است. در حال حاضر منطقه خاورمیانه دچار رقابت بسیار شدیدی است و کشوری که بتواند بر علوم مختلف، به‌ویژه فضای ماوراء جو تسلط بیشتری داشته باشد، جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت؛ لذا شناخت و مطالعات در این بعد برای همگان بسیار مهم تلقی می‌شود و با توجه به شرایط کشور ایران در راستای پیشرفت‌های تکنولوژی و پیگیری برنامه‌های هوا- فضا این شناخت نفوذ سیاسی- اجتماعی ایران را افزایش داده و قدرت منطقه‌ای و حتی بین‌المللی این کشور را مضاعف خواهد نمود.

واژگان کلیدی: ماوراء جو، قدرت ژئوپلیتیکی، تکنولوژی فضایی، منطقه خاورمیانه.

۱. دانش‌آموخته جغرافیای انسانی- شهری و دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی. std_hmomeni@khu.ac.ir
۲. دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و کارشناسی ارشد مخاطرات محیطی. دانشگاه تهران.

اتحادها در خلیج‌فارس و نظریه موازنه تهدید

سعید عطار[۱]
الهام رسولی‌ثانی‌آبادی[۲] طیبه اکبرآبادی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۲

چکیده

تحولات سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه خلیج‌فارس باعث تشدید رقابت و تعارض بین ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس به‌خصوص عربستان شده است؛ به‌طوری‌که برخی از این کشورها تلاش کرده‌اند ائتلاف‌ها و اتحادهای عربی، مانند طرح ارتش مشترک عربی (ناتوی عربی) تشکیل دهند. این تشدید رقابت و تعارض از طریق شکل دادن به ائتلاف را می‌توان در چارچوب «موازنه تهدید» استفن والت مورد بررسی قرار داد. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که بر اساس متغیرهای چهارگانه والت در نظریه موازنه تهدید، چه زمینه‌هایی برای شکل‌گیری طرح ناتوی عربی وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در طی سال‌های اخیر به‌دلیل تشدید سویه منفی هر چهار متغیر اصلی قدرت، مجاورت، قابلیت تهاجمی و نیات تهاجمی در روابط ایران و کشورهای عربی چون عربستان، زمینه‌های شکل‌گیری ناتوی عربی فراهم شده است. ناتوی عربی می‌تواند به امنیتی‌تر شدن ایران در منطقه منجر شود و مسیر توسعه اقتصادی کشور را با مشکلات جدیدی مواجه کند. بنابراین، طرح‌ریزی سیاست‌های مدون برای جلوگیری از تشکیل چنین اتحادی و طرح همکاری‌های گسترده سیاسی و اقتصادی با برخی کشورهای عرب دارای منافع مشترک با ایران، اقداماتی هستند که می‌توانند خطرات موازنه تهدید عربی در مقابل ایران را کاهش دهند.

واژگان کلیدی: موازنه تهدید، اتحاد و ائتلاف، کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس، طرح ناتوی عربی، ایران.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد. S.attar@yazd.ac.ir
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد. rasooli@yazd.ac.ir
۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه یزد.

چالش‌های روابط ترکیه و اسراییل در دوره پس از مصالحه (۲۰۱۶_۲۰۱۸)

میلاد کیائی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۲

چکیده

از سال ۱۹۴۹ تاکنون که اسراییل و ترکیه روابط خود را آغاز کرده‌اند مناسبات آنها از روابط کشورهای عربی و اسراییل بسیار متاثر بوده است. بعد از یک دهه روابط نزدیک اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی روابط دوجانبه آنها در سال ۲۰۰۰ تیره شد. انتفاضه دوم، قدرت‌گرفتن اردوغان و حزب عدالت و توسعه، جنگ دوم لبنان و درگیری اسراییل و نوار غزه همگی مواردی‌اند که موجب تیرگی روابط شدند. دلایل اقتصادی و امنیتی زیادی برای همکاری ترکیه و اسراییل وجود داشته و دارد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی_ تحلیلی با بررسی زمینه‌های روابط ترکیه و اسراییل نشان می‌دهد، با وجود منافع مشترک، تفاوت رویکردهای سیاسی دو کشور مانع حل‌وفصل اختلافات به‌طور کامل می‌شود. گرچه مصالحه سال ۲۰۱۶ گمان همکاری‌های دوجانبه سال‌های گذشته را برانگیخت؛ اما هنوز زود است که بتوان از همکاری گسترده امنیتی و دیپلماتیک صحبت کرد. مدعای این مقاله این است که تا زمانی که حزب عدالت و توسعه در ترکیه قدرت را در دست دارد، روابط دیپلماتیک در سطح محدودی باقی می‌ماند. چنانکه به لحاظ تاریخی تمایز قایل شدن میان منافع اقتصادی و تفاوت‌های سیاسی برای دو کشور ممکن بوده است.

واژگان کلیدی: اسراییل، ترکیه، خاورمیانه، فلسطین، امنیت منطقه‌ای.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی. M.kiaei313@gmail.com

MIDDLE EAST STUDIES QUARTERLY

ISSN: 1560-1986

98

Vol. 26, No, 4 Winter 2020

Context vs. Content; Syrian Kurds, Historical Margins and Discursive Content

Hydropolitics and Water Conflicts in the Basin of the Tigris and Euphrates Between (1950-2018)

The Impact of Israeli-Arab Lobbies on U.S. Foreign Policy Towards Iran

A Survey of the Middle East in Outer Space Dimensions

Alliances in the Persian Gulf and the Theory of Balance of Threat

Challenges to the Turkish-Israeli Relations in the Post-Reconciliation Period: (2016-2018)

Center for Scientific Research and Middele east Startegic Studies